

دوره ۱۴، شماره ۲

تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء س

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۴

سیر تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران

سیدمدی کیانی جالی^{*}، نعمت‌الله موسی‌پور^{**}، کورش فقی و اجارگاه^{***} و اباصلت خراسانی^{****}

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، تبیین سیر تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران بود. روش پژوهش کیفی از نوع تاریخی است که محقق تلاش کرده با بهره‌گیری از منابع و مستندات در دسترس و مصاحبه با خبرگان حوزه برنامه درسی و حوزه آموزش عالی سیر تحول برنامه‌های درسی را در پنج بعد به مثابه فرایند، نظام، رشته تحصیلی، حرفه و دانش در دوره‌های عمل‌گرایی، مذهبی- فرهنگی، تمرکزگرایی، تمرکززدایی، اسلامی‌سازی، تحول در علوم انسانی با دیدگاهی تحلیلی نشان دهد. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات و استخراج بندها مرتبط با موضوع پژوهش، فیش‌های تحقیق بودند که همه توسط محقق ساخته شدند. نتایج نشان می‌دهد که برنامه درسی در نظام آموزش عالی تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. تجربه‌ایی که از دوره‌های برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود. گذار از نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مستقل در دوره قبل از انقلاب (دوره عمل‌گرایی) به نظام متمرکز افراطی بعد از انقلاب (دوران فرهنگی-مذهبی و تمرکزگرایی) و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برنامه درسی در دوره تمرکززدایی است.

کلید واژه‌ها

برنامه درسی، برنامه درسی آموزش عالی، جهت‌گیری‌های برنامه درسی، دوره‌های تاریخی

* نویسنده مسئول: کارشناس سازمان سنجش، تهران، ایران smkia1382@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*** استاد دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

**** دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی هر کشور است که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری جامعه است. آموزش عالی را در بعضی متون انگلیسی، آموزش پس از دوره متوسطه می‌دانند. شاید نتوان تعریف روشن و جامعی از آموزش عالی داد، زیرا در جوامع مختلف دیدگاه‌ها نسبت به آموزش عالی متفاوت است. از این مقوله که بگذریم در یک تعریف کلی می‌توانیم بگوییم آموزش عالی عبارت است از «آموزش فراتر از سطح مدرسه، که در دانشگاه‌ها، کالج‌ها و سایر مؤسسات مرتبط صورت می‌گیرد» (گیدنز، ۱۹۸۹).

آموزش عالی به عنوان یک حوزه تخصصی زیر سیستم‌ها و قلمروهای متعدد از جمله پژوهش، آموزش، مشاوره، ارزیابی، برنامه‌های درسی و غیره را شامل می‌شود و ارتقاء آن نیازمند یک جهت‌گیری راهبردی و اتخاذ سیاست‌هایی مبتنی بر رشد و ارزشیابی متناسب با تحولات محیطی موجود و بهره‌گیری از آن است (تیچلر، ۲۰۱۵).

برنامه‌های درسی در آموزش عالی یکی از زیرنظام‌هایی است که نقش اساسی در متحول شدن آموزش عالی و جامعه دارد. زیرا آموزش عالی از طریق برنامه‌های درسی مصوب در تلاش است به اهداف مطلوب دست یابد. بنابراین، برنامه‌های درسی به عنوان مهم‌ترین درون‌داد و قلب تپنده آموزش عالی اهمیت خاصی دارد. و یکی از عناصر مهم و عوامل تأثیرگذار در تعیین میزان موفقیت و شکست نظام‌های آموزش عالی محسوب می‌شوند (بارنت و کوآت^۱، ۲۰۰۵).

ولی متأسفانه به‌رغم اهمیت و حساسیت برنامه‌های درسی در مؤسسات آموزش عالی، میزان توجه به آن‌ها کافی نیست (مهرمحمدی، ۱۳۸۷؛ بارنت و کوآت، ۲۰۰۵؛ هیکز^۲، ۲۰۰۷)، و حتی تلاش‌های لازم برای بررسی، ارزشیابی، اصلاح، و تغییر آن‌ها در دستور کار قرار نگرفته است (استارک^۳، ۱۹۹۷). این وضعیت با یک نظر اجمالی به منابع علمی و تخصصی موجود در قلمرو برنامه درسی و همچنین مقالات علمی و پژوهشی چاپ شده در این رشته به روشنی

-
1. Barnett and Coate
 2. Hicks
 3. Stark

قابل احراز و اثبات است (مهرمحمدی، ۱۳۸۷).

در طی این سال‌ها، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌های مختلفی در حوزه برنامه درسی اتخاذ و اجرا شده، اما بهره‌مند نبودن از بصیرت‌ها و دستاوردهای نظری و تاریخی دامنه این آثار را بسیار محدودتر از آنچه متصور بود کرده است. از سویی ذکر این نکته به جاست که صاحب‌نظران و متخصصان برنامه درسی فعالیت‌ها و کوشش‌هایی عملی و نظری در این قلمرو را با فقر آگاهی تاریخی همراه می‌دانند و معتقدند دانش برنامه درسی در حصار هر نسل باقی مانده و از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود (فتحی و اجارگاه، نوروززاده، ۱۳۸۷). دست‌اندرکاران این حوزه چنانچه مایل به حفظ هویت حرفه‌ای رشته باشند، ناگزیر باید بر بصیرت و آگاهی‌های تاریخی خود بیفزایند و از میراث فکری، پژوهشی و مفهومی متعلق به این رشته حداکثر استفاده را بکنند، غفلت نسبت به این میراث و قلمرو حرفه‌ای را با بحران هویت مواجه خواهد کرد (همان).

بنابراین، یکی از محدودیت‌های برنامه درسی به مهجوریت بحث تاریخ در حوزه برنامه درسی باز می‌گردد و حوزه برنامه درسی از حاکمیت «روح غیر تاریخی» رنج می‌برد (دیبا و اجاری، ۱۳۹۰).

تقسیم‌بندی‌های متنوعی از سیر تحول آموزش عالی و دانشگاه در ایران انجام شده است. (حسینی، ۱۳۸۹؛ فراستخواه، ۱۳۸۸؛ سلیمی، محمدی‌مهر، ۱۳۸۷) و دوره‌های شکل‌گیری و تحول آموزش عالی و شرایط و نقاط ضعف و قوت هر مرحله مطرح و تحلیل شده‌اند، ولی در این پژوهش‌ها کم‌تر به برنامه درسی دانشگاهی توجه شده است. در حوزه برنامه درسی آموزش عالی در کشور ما کم‌تر به مباحث تاریخی توجه شده و پژوهش‌های انگشت شماری این موضوع را بررسی کرده‌اند. از نظر فتحی و اجارگاه (۱۳۹۳) ضروری است که ما سیر تحول برنامه‌های درسی در ایران را بررسی کنیم؛ او تاریخچه برنامه درسی آموزش عالی در ایران را به گفتمان فرهنگی / مذهبی، گفتمان رسمی / سیستماتیک، گفتمان تمرکززدایی، گفتمان استعمارزدایی تقسیم‌بندی کرده است. سلیمی و همکاران (۱۳۹۳) تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از منابع و مستندات در دسترس سیر بازنگری برنامه‌های درسی آموزش عالی را در دوره بعد از انقلاب بررسی کنند. ویر اساس همین رویکرد و در سه دوره انحلال (۱۳۵۷-۱۳۶۱)، تعویق (۱۳۶۲-۱۳۶۷) و دوره گسترش قبل از واگذاری اختیارات برنامه درسی به

دانشگاه‌ها (۱۳۶۸-۱۳۷۹) و بعد از واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها (۱۳۷۹ به بعد)، به بررسی تحولات برنامه درسی اقدام کرده‌اند. موسی‌پور (۱۳۸۷) اشاره می‌کند، طی دوره پدیدایی آموزش رسمی در ایران، برنامه‌ریزی درسی نیز کم کم ظهور رسمی یافت و به شکل جدی ایفای نقش کرد. برنامه‌ریزی درسی در ایران با «فعالیت برنامه‌ریزی درسی» آغاز شد؛ با «جذب دانش و کسب تجربه» به حیات خود ادامه داد؛ در ساختار رسمی سازمان اداری، برای عمل خود «ساختار» خاصی را پدید آورد و به نیت بهسازی عمل و پاسخگویی به نیازهای رو به تزاید، به «تربیت افسراد دارای صلاحیت» اقدام کرد. آنچه در بحث جاری اهمیت زیادی دارد، توجه به جهت‌گیری برنامه درسی است که در این تحقیق ما آن را معادل جنبش برنامه درسی قرار می‌دهیم. منظور از جنبش برنامه درسی مشخصات برنامه درسی در طی زمان است که با استناد به نظریه بنیادی موسی‌پور (۱۳۸۷) در پنج بعد اصلی (برنامه درسی به مثابه فرایند، نظام، رشته تحصیلی، حرفه و دانش یا علم) بررسی شد. که بر اساس اسناد، مدارک، بخشنامه‌ها و دیدگاه‌ها و نظرات مطلعان کلیدی حوزه آموزش عالی و حوزه برنامه درسی قابل شناسایی است.

اساساً یا مقدمه‌ای که بیان شد این سؤال مطرح می‌شود؛ جریان تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی کشور بر اساس چه فرایندهایی رخ داده و این فرایندها در طی زمان‌های مختلف چه تغییر و تحولی داشته است؟

سؤال‌های این تحقیق عبارت است:

سؤال اصلی: فرایند تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی چگونه است؟

سؤال‌های فرعی:

- مهم‌ترین دوره‌های تاریخی در حوزه تحول برنامه درسی آموزش عالی کدام است؟
- جهت‌گیری‌های حاکم بر هر یک از دوره‌های تحول برنامه درسی آموزش عالی کدام است؟
- ویژگی‌های برنامه‌های درسی در هر دوره تحول چه مشخصاتی را دارد؟

روش

پژوهش مورد نظر از نوع تاریخی است که محقق تلاش کرده با بهره‌گیری از منابع و مستندات

در دسترس سیر تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران را با دیدگاه تحلیلی نشان دهد. پژوهش تاریخی موضوعات معین را در مقطع زمانی مشخص بررسی می‌کند و محقق با ارزشیابی صحت و سقم مطالب به تفسیر و تحلیل اطلاعات به دست آمده اقدام می‌کند. در همین راستا پژوهش تاریخی به دست اندرکاران تعلیم و تربیت کمک می‌کند تا ضمن درک شرایط کنونی بتوانند برنامه‌های مناسبی را برای آینده پیش‌بینی کنند (گال و همکاران، ۱۳۸۶). اگرچه هیچ نظریه یا رویکرد شخصی در خصوص مطالعات و پژوهش‌های تاریخی استفاده شده وجود ندارد، اما مجموعه‌هایی کلی از مراحل که باید در آن طی شوند به شرح زیر است. شایان ذکر است که برخی از مراحل زیر با یکدیگر هم پوشانی نیز دارند (جانسون، ۲۰۱۲).

- شناسایی عنوان تحقیق و تدوین سؤال‌ها و مسائل تحقیق
- جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق
- ارزیابی و بررسی مورد تحقیق
- ترکیب داده‌ها
- آماده‌سازی گزارش

منابع اطلاعات در پژوهش تاریخی، اغلب در اسنادی مانند دفترچه خاطرات، روزنامه‌ها، پرونده‌ها، عکس‌ها، آثار و مصاحبه‌ها با اشخاص دارای تجربه و دانشی در راستای موضوع تحقیق یافت می‌شود. مصاحبه با افراد آگاه از موضوع پژوهش را تاریخ شفاهی^۱ می‌نامند. اسناد، مدارک، تاریخ شفاهی و دیگر منابع اطلاعات می‌توانند منابع دست اول (اولیه) یا منابع دست دوم (ثانویه) باشند (جانسون^۲، ۲۰۱۲) در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و بررسی ادبیات تحقیق از منابع دست اول و منابع دست دوم استفاده شد. منابع دست اول مورد استفاده در این مطالعه عبارت بودند از: مستندات، مصوبه‌ها، آیین‌نامه‌ها، صورت جلسات، گزارش کمیته‌ها و برنامه‌های بازنگری شده بدون به دست آمده از وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی و منابع دست دوم استفاده شد که عبارت بودند از: موتور جستجوی گوگل اسکولار و پایگاه‌های معتبر علمی الکترونیکی از قبیل

1. Oral history
2. Johnson

اریک^۱، الزویر^۲، بلک ول^۳ و ISI. علاوه بر این‌ها از متون و کتاب‌های تاریخی، سایت برخی از دانشگاه‌های کشور و مجلات منتشر شده توسط دانشگاه‌ها برای یافتن منابع مورد نظر استفاده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از کلیه مدارک، بخشنامه‌ها، آیین نامه‌ها و مستندات حوزه برنامه درسی و اطلاعات اعضای هیأت علمی در رشته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌های دولتی و مسئولان و دست‌اندرکاران و کارشناسان حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با حوزه برنامه درسی) به عنوان مطلعان کلیدی استفاده شد. مطلعان کلیدی با مشورت تیم پژوهشی و با استفاده از «رویکرد هدفمند» انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از مشارکت‌کنندگان بالقوه پژوهش که شامل اعضای هیأت علمی در رشته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌های دولتی تهران و مسئولان و دست‌اندرکاران و کارشناسان حوزه ستادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مرتبط با حوزه برنامه درسی) به عنوان خبرگان تخصصی بودند، از روش مصاحبه عمیق بر اساس الگوی مصاحبه‌های کیفی و با رعایت موازین آن و استفاده از «معیار اشباع نظری» با ۱۰ نفر به عنوان نمونه در مدت زمان تقریبی بین ۲۰ - ۴۵ دقیقه مصاحبه شد. سپس داده‌های گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از روش گلیزر، کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. بر این اساس، در گام نخست، داده‌ها طی فرآیند مصاحبه گردآوری شد، سپس متون مصاحبه مکتوب به دفعات مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت و فهرستی از کدهای اولیه ایجاد شد. در گام‌های بعد کدهای به دست آمده در گروه‌های مشابه و منسجمی دسته‌بندی شدند و چندین بار تحلیل و بازبینی شد. برای بررسی اعتبار داده‌های به دست آمده، از معیارهای اعتبارسنجی کیفی قابل قبول بودن و قابل اعتماد بودن استفاده شد. برای بررسی معیار «قابل قبول بودن» داده‌ها، از روش‌های همسوسازی داده‌ها که با جمع‌آوری داده‌های کافی از منابع متعدد مانند خبرگان کلیدی، منابع و مستندات علمی و پژوهشی، پیشینه‌های نظری و پژوهشی، خودبازبینی محقق و کنترل اعضای شرکت‌کننده در پژوهش و برای بررسی معیار «قابل اعتماد بودن» نیز کلیه فرآیندها و مراحل در پژوهش طی شد. و در نهایت سیر تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران شناسایی شد.

1. Eric
2. Elsevier
3. Blackwell

یافته‌ها

دوره‌های تحول برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی ایران: در این پژوهش دوره‌های تاریخی در حوزه تحول برنامه‌های درسی، معادل دوران‌های تغییر(تغییر، بهبود، نوآوری، اصلاح، جنبش) برنامه‌های درسی در مقاطع زمانی مشخص قرار داده شد.

تغییر برنامه درسی: تغییر به عنوان یک مفهوم عام، بعضی اوقات به تغییرات و جهت‌دهی‌های کلی در برنامه درسی به طور مبهم و غیر شفاف اشاره می‌کند و بعضی اوقات به طور خاص به کار برده می‌شود تا تغییراتی ویژه را توصیف کند(فتیحی و اجارگاه، ۱۳۸۰).

نوآوری برنامه درسی: نوآوری به آن نوع تغییر برنامه درسی اطلاق می‌شود که بدیع و بی‌سابقه باشد(همان).

اصلاح برنامه درسی: مفهوم اصلاح نیز به تغییرات خاص، اما جامع‌تر و بنیادی‌تر در تغییر برنامه درسی مربوط می‌شود. اصلاحات شامل تجدید نظر در سازمان و ساختار نظام مدرسه، بازنگری عمده در برنامه درسی و امثال آن می‌شود. این تغییرات عمده، بر تغییرات بنیادی در ارزش‌ها یا تغییر جهت‌گیری‌ها مبتنی است که اغلب نظام سیاسی حاکم بر جامعه آغازگر آن است(همان).

جنبش برنامه درسی: واژه جنبش برنامه درسی بیشتر دارای یک دلالت ضمنی تاریخی است. این واژه بدین منظور به کار می‌رود تا دوره‌هایی از تغییر در برنامه درسی را بر مبنای مقوله‌ها یا مضامین اساسی مشترک میان آن‌ها دسته‌بندی کند.

به‌طور خلاصه بحث درباره ماهیت تغییر در تعلیم و تربیت اغلب با کاربرد یکی از چهار مفهوم بالا همراه است. این مفاهیم از نظر گستره و وسعت درجه تعیین، درجه تغییرات بنیادی و دیدگاه تاریخی با یکدیگر متفاوت هستند(مهرمحمدی وهمکاران، ۱۳۸۷).

منابع جمع‌آوری اطلاعات برای شناسایی دوره‌های تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران عبارت بودند از: ۱- نظرات مطلعان کلیدی حوزه برنامه درسی و حوزه آموزش عالی؛ ۲- بررسی طبقه‌بندی‌های صورت گرفته توسط محققان حوزه برنامه درسی از دوره‌های تحول برنامه‌های درسی؛ ۳- بررسی اسناد و مصوباتی که در شکل‌گیری دوره‌های تحول برنامه درسی تأثیرگذار بوده‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل محتوای کدهای استخراجی، از

پژوهش‌های انجام شده، اسناد و مصوبات و نظرات خبرگان کلیدی حوزه برنامه‌داری و آموزش عالی دوره‌های ذیل به‌عنوان دوره‌های تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران شناسایی شدند.

۱. دوره عمل‌گرایی (۱۳۱۳-۱۳۵۷)
۲. دوره فرهنگی - مذهبی (۱۳۵۹-۱۳۶۲)
۳. دوره تمرکزگرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹)
۴. دوره تمرکززدایی (۱۳۷۹-۱۳۸۴)
۵. دوره اسلامی‌سازی (۱۳۷۶ به بعد)
۶. دوره تحول در برنامه‌های درسی علوم انسانی (۱۳۸۸ به بعد)

جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی در دوره عمل‌گرایی (۱۳۱۳-۱۳۵۷)

دانشگاه به مفهوم اخص کلمه در دوران پهلوی اول و حکومت رضا شاه در ایران تأسیس شد. با به قدرت رسیدن رضا شاه، ایران وارد دوران تازه‌ای از حیات خود شد. سیاست‌های مدرن کردن و توسعه رضا شاه به ایجاد نهادهای جدیدی در جامعه ایران منجر شد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها نهاد دانشگاه بود (گلکار، ۱۳۸۶؛ خلیلی‌خو، ۱۳۷۳؛ کسائی، ۱۳۷۵؛ زیب‌کلام، ۱۳۸۹). تأسیس دانشگاه تهران در ۱۵ بهمن ماه ۲۴۹۳ شاهنشاهی مطابق با ۱۳۱۳ شمسی، نقطه عطفی در تاریخ آموزش عالی ایران محسوب می‌شود (شمس‌آوری، ۱۳۵۶). تأسیس دانشگاه در این مقطع، دست کم دو کارکرد اصلی داشت: دانشگاه در خدمت بوروکراسی و دانشگاه ابزار ایدئولوژی ملت‌گرایی باستان‌گرا (ذائری، محمد علی زاده، ۱۳۹۳). بنای حکومت رضاشاه با تجدد، تمرکز و ملی‌گرایی آمیخته بود، به گونه‌ای که می‌توان تجدد را هدف، تمرکز را روش و ملی‌گرایی را ایدئولوژی یا مرام او قلمداد کرد؛ میل رضاشاه به تسلط و نظارت بر همه چیز و تلاش او برای ایجاد یک سیستم میهن‌پرستی به جای ارزش‌های دینی، موضوعاتی بودند که به شدت بر نظام آموزشی نوین تأثیر نهادند و شکل‌گیری نظام متمرکز را در پی داشتند (موسی‌پور، ۱۳۸۷). با تأسیس دانشگاه (۱۳۱۳ ش) نظام آموزش عالی جدید در ایران رسماً نهادینه شد و برنامه‌ریزی درسی برای آموزش عالی به طور مشخص آغاز شد (فتحی و اجارگاه و نوروززاده، ۱۳۸۷). در بررسی تاریخ آموزش عالی نوین ایران، از لحاظ امور آموزشی و درسی (دوره عمل‌گرایی)، از ۱۳۱۳-۱۳۴۶ سیستم غیر متمرکز،

۱۳۴۶-۱۳۵۹ سیستم نیمه متمرکز بر نظام برنامه ریزی درسی حاکم بوده است (خبره شماره ۲، ۱۳۹۶، موسی‌پور و همکاران، ۱۳۸۴) در بحث فرایند برنامه درسی (تدوین، اجرا، ارزشیابی)، در این دوره عمل برنامه‌ریزی درسی وجود داشته و با مشارکت اعضای هیأت علمی حوزه موضوعی و از طریق گروه‌های آموزشی انجام شده، ولی برنامه‌ریزی درسی به شکل کنونی آن وجود نداشته است (خبره شماره ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۳۹۶). در این دوره، تحول و توسعه دانش برنامه درسی، مبانی نظری قابل اتکا در حوزه برنامه‌ریزی درسی، متخصصان دارای فهم از برنامه درسی مشغول به کار مشاوره و نظارت بر تدوین برنامه‌های درسی وجود نداشته است. در واقع عمل برنامه‌ریزی درسی در خود گروه‌های تخصصی و گروه‌های حوزه‌های دانشی انجام می‌شده است، ولی در آن چارچوب دانش برنامه درسی رعایت نمی‌شده است (خبره شماره ۱، ۳، ۹، ۱۳۹۶). البته، اعضای هیأت علمی اشخاصی بودند که در دانشگاه‌های غربی آموزش دیده بودند و محتواهای رشته‌هایی را که در ایران می‌خواستند تدریس کنند، بر اساس آن چیزی مشخص می‌کردند که در آنجا آموخته بودند (خبره شماره ۱، ۲، ۹، ۱۳۹۶) در واقع برنامه‌ریزی رشته‌ها و دروس، اهداف، محتوا و سازماندهی دروس عمومی، روش‌های تدریس و ارائه مطالب و مانند آن از برنامه دانشگاه‌های غربی نسخه‌برداری شده است. مطالعه خاصی برای انطباق برنامه‌های درسی با شرایط جامعه آن زمان کم‌تر دیده می‌شود. از دلایل عمده چنین حرکتی ممکن است زمینه‌های فلسفی، خاستگاه و همچنین، نحوه شکل‌گیری دانشگاه‌ها در کشور باشد. زمینه‌هایی که در بسیاری از موارد انگیزه‌های سیاسی و ملی‌گرایی داشته است و الگو برداری از فرایندهای برنامه‌ریزی دانشگاه‌های کشورهای فرانسه و آمریکا، به ویژه در دو دهه پیش از انقلاب اسلامی آن را به وجود آورده بودند. در این دوره، اگرچه دانشگاه‌ها دارای استقلال بودند، اما برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در آن‌ها یک مفهوم سازمانی نبود که توسط مدیریت دانشگاه‌ها ابداع یا ایجاد شده باشد (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۳؛ سلیمی و محمدی‌مهر، ۱۳۷۸؛ نوروززاده و همکاران، ۱۳۸۵؛ بذرافکن، ۱۳۸۹؛ بازرگان، ۱۳۵۹).

رخدادهای اثرگذار بر حوزه برنامه درسی در این دوره: این دوره با رخدادهایی در ایران همراه شد که بر آموزش عالی و نظام‌های مربوط به آن تأثیرات جدی و گسترده نهادند. در میان این رخدادها، ده مورد بر برنامه‌ریزی درسی در ایران اثر مستقیم داشت. پایه‌گذاری وزارت علوم در سال (۱۳۳۵)، شکل‌گیری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه در سال (۱۲۸۸)، گزارش‌های مشاوران ماوراء بحار درباره نظام تعلیم و تربیت ایران

(۱۳۴۰)، انقلاب آموزشی به طور خاص و انقلاب شاه و مردم به طور عام (۱۳۴۱)، انتشار نخستین کتاب برنامه‌ریزی درسی (۱۳۴۳)، تفکیک وزارت علوم و تأسیس دو وزارتخانه مستقل با نام‌های «وزارت آموزش و پرورش» و «وزارت علوم و آموزش عالی» (۱۳۴۳)، تأسیس نخستین دانشکده علوم تربیتی ایران در دانشگاه تهران (۱۳۴۳)، تأسیس شورای مرکزی دانشگاه‌ها (۱۳۴۴)، تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۴۵)، تشکیل شورای گسترش آموزش عالی (۱۳۴۸).

جدول ۱: جهت‌گیری‌ها، ویژگی‌های برنامه درسی در دوره عمل‌گرایی در نظام آموزش عالی ایران

مضمون فراگیر	دوره برنامه درسی	ابعاد برنامه درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه درسی
نهایت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره عمل‌گرایی در نظام آموزش عالی ایران	دوره عمل‌گرایی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی (تولید، اجرا، ارزشیابی) در دانشگاه و در اختیار گروه‌های تخصصی و با مشارکت اعضای هیأت علمی صورت می‌گرفته است (خبر شماره ۱، ۱۳۹۶)	۱- جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (ملی، میهنی) حاکم بر برنامه‌های درسی ۲- جهت‌گیری‌های سیاسی حاکم بر آموزش عالی
		نظام	نظام برنامه درسی از سال ۱۳۱۳ - ۱۳۳۲ به صورت متمرکز زیر نظر شورای عالی معارف، از سال ۱۳۳۲ - ۱۳۴۶ به صورت غیر متمرکز و در اختیار دانشگاه‌ها و از سال ۱۳۴۶ - ۱۳۵۷ به صورت نیمه متمرکز بوده است. (فراستخواه، ۱۳۸۸)	۳- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی نیازهای جامعه ۴- جهت‌گیری در جهت شکل‌گیری آموزش عالی خصوصی (غیر دولتی) ۵- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه و در اختیار گروه‌های تخصصی رشته‌های تحصیلی
		رشته تحصیلی	برنامه درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره مطرح نبوده است.	۶- جهت‌گیری به سوی توجه به امر پژوهش و تحقیق
		حرفه	برنامه درسی به مثابه حرفه در این دوره مطرح نبوده است.	۷- جهت‌گیری بسوی پرورش نیروی انسانی متخصص برای تأمین نیاز نهادهای بوروکراتیک
		دانش	انتقال دانش برنامه درسی با ترجمه چند اثر در حوزه برنامه درسی	

جهت‌گیرهای برنامه درسی در دوره فرهنگی مذهبی (۱۳۵۷-۱۳۶۳): پس از فروپاشی نظام پهلوی، نهادهای مختلف یکی پس از دیگری پا گرفت؛ اما فرهنگ حاکم بر نهادهای جامعه مخصوصاً نهادهای فراگیری مانند آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، مسأله ساده‌ای نبود که بتوان در کوتاه مدت، تحولات لازم را در آن‌ها به وجود آورد. از طرف دیگر ادامه کار آن‌ها به‌ویژه دانشگاه‌ها به همان شکل سابق به صلاح جامعه نبود (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴).

در اوایل انقلاب، گروهک‌های مختلف، دانشگاه‌ها را عرصه تاخت و تاز خود ساخته و روند تحصیل و تدریس را مختل کرده بودند (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۴). فعالیت‌های سیاسی شدید در قالب شوراها و انجمن‌های دانشجویی بود (کیهان ۵۹/۱۷). وجه دیگر قضیه نیز مربوط به محتوای علوم دانشگاهی بود، فرض اولیه نه تنها در ایران، بلکه کل جریانات ضد غرب بر این بود که درس‌ها و محتوای علوم خیلی بر مبنای استقلال ملّت‌ها نیست (حاضری، ۱۳۹۰). شرایط سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب ایجاب می‌کرد که یک نوع نگاه بازسازی نظام دانشگاهی صورت بگیرد و نظام دانشگاهی در خدمت اسلام‌گرایی و بومی‌گرایی قرار گیرد (همان). در ۲۹ فروردین اعلامیه‌ای از سوی شورای انقلاب منتشر شد که در آن بر مسأله خروج ستادهای عملیاتی گوناگون از دانشگاه‌ها و دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی تأکید شده بود. به دنبال صدور اعلامیه فوق‌الذکر شورای انقلاب، برنامه‌ای را که به تصویب رهبر معظم انقلاب نیز رسیده بود، به مرحله عمل در آورد (بامداد، ۱۳۵۹). در جلسه شورای انقلاب بر سر اصل تغییر بنیاد آموزش، محتوای برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های نظام آموزشی تأکید شده بود. برای دستیابی به این تغییرات ابتدا لازم بود تشنج از بین رفته و محیط تفاهم ایجاد شود. بدین منظور شورای انقلاب بر تخلیه دانشگاه‌ها اصرار ورزید (اطلاعات، ۱۳۵۹).

ستاد انقلاب فرهنگی به دنبال تعطیل دانشگاه‌ها و مسائل مختلف موجود در آن‌ها و بعضی ادعاها مبنی بر اسلامی نبودن برنامه‌های موجود در دانشگاه‌ها به فرمان امام در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ تأسیس شد. در آن زمان بیشتر این اندیشه بود که در دانشگاه‌ها چگونه می‌توان برنامه‌ریزی کرد تا به نیازهای جمهوری اسلامی پاسخ بدهد و با مبانی اسلامی مطابقت داشته باشد (توسلی، ۱۳۷۸).

با تحقق انقلاب فرهنگی، در اوایل سال ۱۳۵۹ فعالیت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ایران تعطیل شد و به عبارت دیگر نیمسال دوم ۵۸-۵۹، با حوادث انقلاب

فرهنگی در حالت غیر عادی به پایان رسید. طی سال‌های ۵۹-۶۰ و ۶۰-۶۱ دانشگاه‌ها به‌طور کامل تعطیل بودند (فراستخواه، ۱۳۸۹).

احمدی (عضو ستاد انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶) معتقد است، انقلاب فرهنگی ضرورت داشت اصل اینکه باید انقلاب فرهنگی رخ می‌داد، وضعیت محتوای دروس به‌ویژه علوم انسانی که معجونی از مطالب مختلف بود، این سؤال را در اذهان به‌وجود آورد که اولاً ما برویم سر کلاس‌ها چی تدریس کنیم و دانشجویان چه یاد بگیرند.

بازرگان (رئیس دولت موقت، ۱۳۵۹) نکاتی را که لازم بود در برنامه‌های درسی برای انقلاب فرهنگی اسلامی رعایت شود، فهرست‌وار به شرح زیر بیان کرد:
الف: وارد کردن ایمان و عقیده یا ایدئولوژی اسلامی در برنامه‌های دانشگاه‌ها و وارد کردن تربیت و تهذیب؛

ب: تجدیدنظر در مواد درسی و عملی و تعلیم و تمرین آنچه برای حرفه‌های مربوط و تخصص و تحقیق‌های مورد احتیاج ضرورت دارد؛

ج: تجدیدنظر در روش تعلیم و تمرین و تحقیق و تماس با مردم و با مسائل مملکت به صورت صحیح و پویا؛ اداره دانشکده‌ها؛ انتخاب هیأت‌های تعلیماتی؛ و روابط و ضوابط حاکم. ستاد انقلاب فرهنگی از ابتدای تأسیس با توجه به فرمان امام و نکته‌هایی که در آن فرمان گنجانیده شده بود، از دانشگاهیان متعهد، استادان دانشگاه، دانشجویان مسلمان، حوزویان و همچنین صاحب‌نظران دعوت کرد که در کار اجرایی انقلاب فرهنگی و در بازسازی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی با ستاد همکاری کنند. از دیگر اقدام‌های ستاد انقلاب فرهنگی که یکی از اصلی‌ترین وظایف آن به‌شمار می‌رفت، تشکیل گروه‌های برنامه‌ریزی در رشته‌های مختلف، مثل رشته‌های پزشکی، کشاورزی، فنی و مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی بود. در هر گروه استادان و دانشجویان به ارزیابی برنامه‌های موجود دانشگاه‌ها را ارزیابی کردند و به‌تدریج به تدوین و تهیه برنامه‌های آموزشی تازه همت گماردند (شریعتمداری، ۱۳۶۱).

روند کار کمیته‌های تخصصی و گروه‌های برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی: هریک از گروه‌ها بنابر نیاز و دامنه فعالیت، کمیته‌هایی را از طریق مسئول گروه خود به ستاد پیشنهاد می‌کردند و کمیته‌ها پس از تصویب، زیر نظر گروه‌ها عمل می‌کردند. به همین ترتیب کمیته‌ها می‌توانستند برحسب ضرورت و برای تسهیل در برنامه‌ریزی، شاخه‌هایی را با تأیید گروه متبوع

تشکیل دهند. هر شاخه یک رشته یا مجموعه آموزشی یا پژوهشی (اعم از کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و....) را در بر می‌گرفت و امور مربوط به برنامه‌های درسی را انجام می‌دادند. از تاریخ تابستان ۱۳۵۹ - ۲۲ بهمن ماه ۱۳۶۱ یعنی در مدت ۲ سال و اندی، گروه‌های ششگانه برنامه‌ریزی در ستاد انقلاب فرهنگی بیش از ۱۲۰ برنامه آموزشی و درسی به تصویب رسانیدند. در این دوره الگوهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی عقلانی و علمی تحت‌الشعاع الگوهای تصمیم‌گیری سیاسی ایدئولوژیک دولتی قرار گرفت. اختیارات برنامه‌ریز به حداکثر و در مقابل، اختیارات اعضای هیأت علمی به حداقل رسید. تمامی تصمیم‌گیری‌های مربوط به عناصر برنامه درسی یعنی هدف، محتوا، روش و ارزشیابی، توسط برنامه‌ریز اتخاذ می‌شد. در این دوره جهت‌گیری ایدئولوژیک بر برنامه‌های درسی دانشگاهی حاکم می‌شود. این وضعیت که از سال ۱۳۵۹ آغاز شد تا سال ۱۳۶۳ ادامه داشت.

جدول ۲: جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه درسی در دوره فرهنگی - مذهبی در نظام آموزش عالی ایران

مضمون فراگیر	دوره برنامه درسی	ابعاد برنامه درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه درسی
جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره فرهنگی - مذهبی - نظام آموزش عالی ایران	دوره فرهنگی - مذهبی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی ستاد انقلاب فرهنگی با حضور متخصصان حوزه دانشی رشته‌های تحصیلی انجام می‌شد.	۱- جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (اسلامی) حاکم بر برنامه‌های درسی ۲- جهت‌گیری‌های سیاسی حاکم بر آموزش عالی ۳- تحت‌الشعاع قرار گرفتن
	نظام	نظام برنامه درسی به صورت متمرکز و در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	کارکردهای آموزشی و پژوهشی در مقابل اختلافات سیاسی و مسلکی	۴- جهت‌گیری در جهت حذف آموزش عالی خصوصی (غیردولتی)
	رشته تحصیلی	برنامه درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره مطرح نبوده است.	مقابل اختلافات سیاسی و مسلکی	۵- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در ستادی متمرکز و بیرون از دانشگاه
	حرفه	برنامه درسی به مثابه حرفه در این دوره مطرح نبوده است.	در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	۶- عدم توجه به امر پژوهش و تحقیق
	دانش	ادامه انتقال دانش برنامه درسی با ترجمه دو اثر مهم در حوزه برنامه درسی	فرایند	۱- جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (اسلامی) حاکم بر برنامه‌های درسی ۲- جهت‌گیری‌های سیاسی حاکم بر آموزش عالی ۳- تحت‌الشعاع قرار گرفتن
	نظام	نظام برنامه درسی به صورت متمرکز و در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	کارکردهای آموزشی و پژوهشی در مقابل اختلافات سیاسی و مسلکی	۴- جهت‌گیری در جهت حذف آموزش عالی خصوصی (غیردولتی) ۵- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در ستادی متمرکز و بیرون از دانشگاه ۶- عدم توجه به امر پژوهش و تحقیق

جهت گیری‌های برنامه درسی در دوره تمرکزگرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹): در دهه نخست انقلاب و بر اثر تحولات نهادها روند عادی و متعارف برنامه‌ریزی علمی و تخصصی برای توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی چه به صورت پنج ساله و چه به صورت بیست ساله، از جمله در بخش آموزش عالی به تعویق افتاد و منشاء آن عوامل متعددی بود، مانند وجود شرایط جنگی، مقتضیات ناشی از وضعیت اوایل انقلاب و دیدگاه‌های حاکم بر آن، بر هم خوردن الگوهای پیشین مدیریت و برنامه‌ریزی در کشور، فعالیت موازی نهادهای انقلابی (مثل ستاد انقلاب فرهنگی و شورای عالی انقلاب فرهنگی) در کنار سازمان‌ها و دستگاه‌های متعارف دولت (مانند وزارت فرهنگ و آموزش عالی و...) پدید آمدن نوعی تعدد و توازی در مراکز تصمیم‌گیری کشور و عواملی دیگر از این قبیل (فراستخواه، ۱۳۸۸).

در این دوران و با بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی ۶۳-۶۲، مسائل آموزشی عالی، یکی پس از دیگری خود را آشکار می‌کرد و به حدی بود که بخشی از این مسائل و مشکلات، حتی در گزارش‌های هیأت ارزیابی و نظارت ستاد انقلاب فرهنگی نیز منعکس می‌شد. در این گزارش‌ها جمعاً ۳۷۴ مورد مسأله عنوان شده که از میان آن‌ها ۲۴۴ مورد یعنی ۶۵/۲ درصد در ارتباط با برنامه‌ریزی آموزشی و درسی بوده است. آنچه در زیر می‌آید نمونه‌ای از این ۲۴۴ مورد است:

- تعداد واحدهای درسی خصوصاً واحدهای دروس عمومی برای یک دوره تحصیلی بسیار زیاد است.
- درس‌هایی مانند ادبیات معاصر، جغرافیای تاریخی جهان، زبان‌های باستانی ایران، گویش‌های ایرانی و زبان‌شناسی، حذف و به جای آن دروس عمومی زیادی مانند عربی و انواع دروس اسلامی گنجانیده شده است.
- در برنامه پزشکی، فنی و علوم پایه، درس‌های بسیار ضروری در برنامه نیامده است.
- در برنامه‌ها و سرفصل‌های درسی پیش‌نیازها به درستی ملحوظ نشده است.
- سرفصل‌های تعیین شده با نیازها و اولویت‌های تحصیلی رشته‌ها مطابقت ندارد.
- منابع اعلام شده، جدید و روزآمد نیست.
- منابع اعلام شده دربرگیرنده همه مطالب سرفصل درسی نیست.
- در برنامه‌ریزی درسی نظریات تخصصی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در نظر گرفته نشده است.

- جزوات درسی تهیه شده از حداقل کیفیت مطلوب بهره‌مند نیستند.

از سویی ستاد انقلاب فرهنگی با مسائل و مشکلاتی، از قبیل مسائل جنگ تحمیلی، فشارها و اختلافات سیاسی حاکم بر جامعه، عدم همکاری صاحب‌نظران مخالف انقلاب فرهنگی، عدم هماهنگی نظام آموزش عالی با سطوح دیگر آموزشی و موجب شد تا سردمداران جامعه به فکر چاره کار باشند، از این رو اولین اقدام آن‌ها تبدیل ستاد انقلاب فرهنگی به شورای عالی انقلاب فرهنگی بود (روشن نهاد، ۱۳۸۲). پس از تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی برنامه‌ریزی شکل گرفت. این شورا طبق مصوبه جلسه فوق‌العاده مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی برای امر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی و تدوین و تصویب آیین‌نامه‌ها و مقررات آموزشی از میان صاحب‌نظران و استادان باتجربه دانشگاه‌ها با اهداف زیر تشکیل شد:

- ایجاد وحدت و یکپارچگی در نظام آموزش عالی
- رعایت کلیه قواعد و اصول برنامه‌ریزی آموزشی، درسی و پژوهشی
- ایجاد هماهنگی در برنامه‌های درسی، مقررات آموزشی و تربیت نیروی انسانی
- ایجاد ارتباط بین نهاد تصمیم‌گیری و دستگاه‌های اجرایی
- به روزکردن برنامه‌های درسی و انطباق با نیازهای اجتماعی - اقتصادی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۳)

شورای عالی برنامه‌ریزی دارای ۹ گروه برنامه‌ریزی، ۷۱ کمیته تخصصی، ۲ کمیسیون دائمی و بیش از ۴۵۰ نفر عضو رسمی (در این دوره) بود. رئیس شورای عالی برنامه‌ریزی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی است. رؤسای گروه‌های برنامه‌ریزی و دبیر شورا با پیشنهاد وزیر فرهنگ و آموزش عالی و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب می‌شود و طبق آیین‌نامه داخلی معاونان آموزشی و پژوهشی دو وزارت فرهنگ و آموزش عالی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، نماینده شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، نماینده دفتر مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و چهار نفر از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز اعضای اصلی شورای عالی برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند (دفتر امور آموزشی و تحصیلات تکمیلی، ۱۳۷۷).

در این دوره برای تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب اسلامی برنامه‌های دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به صورت متمرکز و به وسیله این شورا و با حضور تعداد معدودی

از اعضای هیأت علمی حوزه‌های دانشی و از برخی دانشگاه‌های منتخب در گروه‌های تخصصی برنامه‌ریزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و بدون مشارکت و نظارت متخصصان حوزه برنامه درسی بازبینی شد و دانشگاه‌ها ملزم به اجرای مصوبات آن شورا شدند. چنین اقدامی اختیار برنامه‌ریزی را از سایر اعضای هیأت علمی گروه‌های تخصصی و گروه‌های حوزه‌های دانشی دانشگاه‌ها سلب کرد. به علاوه بسیاری از مطالبی که به عنوان سرفصل در برنامه‌های درسی گنجانده شد، با شتاب‌زدگی و از روی منابع خارجی یا کتاب‌های موجود بدون حضور و نظارت متخصصان حوزه برنامه درسی انتخاب شد. بدین ترتیب نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز سایه خود را بر آموزش عالی کشور نیز افکند (خبره شماره، ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۳۹۶؛ موسی‌پور، ۱۳۸۷).

رخداد‌های اثرگذار بر حوزه برنامه درسی دوره تمرکزگرایی (۱۳۶۳-۱۳۷۹):

- الف: آغاز تربیت نیروی انسانی در حوزه برنامه‌ریزی درسی با درخواست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش و با پذیرش دو دوره دانشجوی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت معلم در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ از میان کارشناسان مربوطه.
- ب: اقدام به راه‌اندازی دوره دکترای برنامه‌ریزی درسی و فلسفه تعلیم و تربیت در این دوره توسط شورای عالی برنامه‌ریزی.
- پ: گسترش پژوهش در زمینه‌های گوناگون آموزش و پرورش و آموزش عالی نسبت به دوره قبل، که یکی از دلایل این گسترش را می‌توان توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) در دانشگاه‌های کشور دانست.
- ت: گسترش چشم‌گیر تألیف و ترجمه آثار علمی در حوزه برنامه‌ریزی درسی.
- ث: ایجاد کرسی‌های علمی حوزه برنامه درسی در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها.
- ج: انتشار مجله مطالعات برنامه درسی.

جدول ۳: جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران

مضمون فراگیر	دوره برنامه‌های درسی	ابعاد برنامه‌های درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی
نظرسنجی‌گیری‌های برنامه‌های درسی در دوره تمرکزگرایی در نظام آموزش عالی ایران	دوره تمرکزگرایی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و با حضور متخصصان حوزه دانشی رشته‌های تحصیلی صورت می‌گرفت.	۱- جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک (اسلامی) حاکم بر برنامه‌های درسی
		نظام	نظام برنامه‌های درسی به صورت متمرکز و در شورایی خارج از دانشگاه پایه‌ریزی شد.	۲- جهت‌گیری‌های سیاسی حاکم بر آموزش عالی
		رشته تحصیلی	برنامه‌های درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره و با برگزاری مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی مطرح شد.	۳- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی رفع نیازهای جامعه
		حرفه	برنامه‌های درسی به مثابه حرفه در این دوره و با عنوان مدرس (هیأت علمی) مطرح شد.	۴- جهت‌گیری در جهت شکل‌گیری آموزش عالی خصوصی (غیر دولتی)
		دانش	ادامه انتقال دانش برنامه‌های درسی با ترجمه و تألیف کتب و مقالات در حوزه برنامه‌های درسی	۵- مرکز ثقل برنامه‌ریزی درسی در شورایی متمرکز و بیرون از دانشگاه

جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی در دوره تمرکززدایی از برنامه‌های درسی دانشگاهی (۱۳۷۹ به بعد): زمینه تغییر ساختاری و گرایش به عدم تمرکز از سال ۱۳۷۲ شروع شده است و تا حال حاضر ادامه دارد. در این دوره با توجه به شناختی که مدیران سطوح بالای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از برنامه پنج‌ساله اول بعد از انقلاب به دست آوردند، هم‌چنین، حجم مشکلاتی که دانشگاهیان در اجرای برنامه‌های ارسالی وزارتخانه داشتند، تصمیم گرفته شد که به تدریج به سمت برنامه‌ریزی در سطح دانشگاه‌ها قدم برداشته شود. در این خصوص در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور از مدیران دانشگاه‌ها خواسته شد که برنامه‌های توسعه‌ای تهیه کنند. در نتیجه، در تعداد واحدهای درسی تغییراتی

انجام شد و اختیارات محدودی برای تدوین و تفسیر بعضی از برنامه‌های درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه واگذار شد (مهرعلیزاده، ۱۳۸۳).

اصلاح سازمانی در نظام آموزش عالی، یکی از سیاست‌های راهبردی برنامه سوم توسعه در بخش آموزش عالی بوده که بر جهت‌گیری‌های برنامه درسی تأثیرگذار بوده است. بر همین اساس، در ماده ۹۹ قانون برنامه سوم توسعه ذکر شده، به منظور انسجام بخشیدن به امور اجرایی و سیاستگذاری نظام علمی و تحقیقاتی کشور، با افزوده شدن وظایف برنامه‌ریزی، حمایت و پشتیبانی، ارزیابی و نظارت، بررسی و تدوین سیاست‌ها و اولویت‌های راهبردی در حوزه‌های تحقیقات و فناوری به وظایف وزارت فرهنگ و آموزش عالی سابق، تغییر نام این وزارتخانه به «وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» توجه شده است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹: ۶۸).

جهت‌گیری‌های اساسی بخش آموزش عالی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۹-۱۳۸۳) نیز بر جهت‌گیری‌های برنامه درسی تأثیرگذار بوده است، که عبارت هستند از:

- روز آمد کردن رشته‌های تحصیلی با توجه به نیازهای متنوع و در حال تحول جامعه و اعطای اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی
- اصلاح برنامه‌ها و شیوه‌های سنتی آموزش متکی بر دروس نظری و محفوظات و آماده کردن دانشجویان برای مواجهه با مسائل و شرایط دنیای حاضر
- فراهم کردن زمینه‌ها و تسهیلات برای تحول روش‌ها و برنامه‌های آموزشی در سطح آموزش عمومی و متوسط با هدف تقویت روحیه پژوهشگری
- بازنگری در برنامه‌های درسی گروه‌های علوم انسانی با توجه به نیازهای روز جامعه
- استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش و پژوهش
- عدم توسعه کمی دوره‌های کارشناسی و تأکید بر ارتقاء کیفیت و خلاقیت و کارآفرینی دانشجویان

در ساختار جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، امور سیاستگذاری، هماهنگی، نظارت ارزیابی و پشتیبانی از علوم، تحقیقات و فناوری، به صورت متمرکز به وزارتخانه و امور اجرایی به صورت غیرمتمرکز به دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و دستگاه‌های اجرایی ذیربط

واگذار شده است (محمدنژاد عالی و صالحی، ۱۳۸۳: ۳۷). از این رو با استناد به سیاست‌های برنامه سوم توسعه و به منظور حرکت در جهت نهادینه کردن مشارکت دانشگاه‌ها در مدیریت آموزش عالی، تمرکززدایی و ارتقاء کیفیت آموزش عالی، اختیارات برنامه‌ریزی درسی با اهداف زیر به دانشگاه‌های واجد شرایط وابسته به وزارت علوم، تحقیقات، فناوری و اگذار شده است (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹: ۱).

الف) انطباق هر چه بیشتر برنامه‌های درسی با نیازهای جامعه

ب) نهادینه کردن برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها

ج) روز آمد شدن برنامه‌ها با توجه به تحولات دانش بشری

د) تناسب بیشتر برنامه درسی با امکانات و توانایی‌های دانشگاه

بدین ترتیب مجموع مقوله‌های مطرح شده در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیرامون آموزش عالی و لایحه مربوط، لازم است به چند نکته عمده در تحول برنامه‌های درسی آموزش عالی ایران، در مقایسه با برنامه اول و دوم و جهت‌گیری‌های جاری و آتی آن توجه شود:

تغییر نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و طبیعتاً شکل‌گیری وظایف و تشکیلات جدید آن، بیان‌کننده تأکید به اهمیت علم و پژوهش (اعم از بنیادی و کاربردی) به عنوان عناصر ضروری بقاء در دنیای کنونی و پاسخگویی به الزامات توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی است. بدین ترتیب هدف کلی وزارتخانه مذکور پاسخگویی به الزامات رشد علم و توسعه پژوهش و گسترش فن‌آوری است که نه از طریق آموزش صرف، بلکه به واسطه پژوهش و تولید علم و کاربرد آن در امر توسعه تحقق می‌یابد. به همین جهت تغییر جهت‌گیری نظام آموزش عالی ایران به سوی پژوهش و تأکید بر نقش تولید دانش در کنار انتقال دانش در برنامه سوم توسعه به عنوان سیاست علمی معرفی می‌شود که برای شکل دادن به آن باید به ارزیابی دقیق شیوه‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی اقدام کرد و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را در راستای پرورش روحیه پژوهش و ابتکار و کارآفرینی و تفکر نقاد و به‌طور کلی، توجه به کیفیت شناسایی کرد.

جدول ۴: جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه‌دستی در دوره تمرکززدایی در نظام آموزش عالی ایران

مضمون فراگیر	دوره برنامه‌دستی	ابعاد برنامه‌دستی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه‌دستی
۸۰- جهت‌گیری‌های برنامه‌دستی در دوره تمرکززدایی در نظام آموزش عالی ایران	دوره تمرکززدایی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های دانشگاه‌های واجد شرایط و با حضور اعضای هیأت علمی صورت می‌گرفت.	۱- واگذاری بازنگری برنامه‌های درسی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی واجد شرایط
		نظام	نظام برنامه‌دستی به صورت غیر متمرکز و در اختیار دانشگاه‌های واجد قرار گرفت.	۲- تعیین معیارها، روش‌های اجرایی و نتایج مورد نظر در بازنگری از سوی وزارت علوم
		رشته تحصیلی	برنامه‌دستی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره با گسترش کمی دانشگاه‌های برگزارکننده مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی و افزایش پذیرش دانشجوی در این حوزه ادامه یافت.	۳- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سمت پرورش روحیه پژوهش و ابتکار و کار آفرینی و تفکر نقاد
		حرفه	برنامه‌دستی به مثابه حرفه در این دوره و با عنوان مدرس (هیأت علمی) مطرح شد.	۴- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی انطباق با نیازهای جامعه
		دانش	ادامه انتقال دانش برنامه‌دستی با ترجمه و تألیف کتب و مقالات در حوزه برنامه‌دستی	۵- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی تحولات علمی روز دنیا

جهت‌گیری‌های برنامه‌دستی در دوره اسلامی‌سازی (از سال ۱۳۷۶ به بعد): دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی هر جامعه معرف و مبین بالاترین سطح تفکر و علم آن جامعه محسوب می‌شوند و اصول جهان‌بینی و نظام اعتقادی و ارزشی جامعه را در خود متجلی می‌کند و با تربیت متفکران و دانشمندان و مدیران آینده، در جهت بخشیدن به حرکت‌های گوناگون فکری، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی جامعه مؤثر واقع می‌شوند. از اینجا می‌توان گفت که

دانشگاه‌های مختلف جهان، علاوه بر اشتراکاتی که به اعتبار دانشگاه بودن، بایکدیگر دارند، به اعتبار تعلق به جوامعی با بینش‌ها و ارزش‌های مختلف واجد خصوصیتی هستند که آن‌ها را از یکدیگر متفاوت و متمایز می‌کند. جامعه ایرانی که در انقلاب اسلامی خود با رویکردی الهی و معنوی، جهان‌بینی و نظام ارزشی اسلامی را مبنای شئون گوناگون زندگی خود قرار داده، خواهان آن است که دانشگاه‌هایی متناسب با مبانی و ارزش‌های اسلامی داشته باشد تا هم بتواند در آن دانشگاه‌ها از مبانی و معیارهای خود آگاهی و شناخت دقیق‌تر و ژرف‌تر حاصل کند و هم یا تربیت متفکران و مدیران بر وفق آن مبانی و معیارها، به ترویج و تعمیم آن‌ها در کل جامعه مبادرت کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷).

مراحل تاریخی اسلامی‌سازی دانشگاه بعد از انقلاب اسلامی: مروری بر وضعیت گذشته نظام آموزش عالی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تطابق و هماهنگی نداشتن دانشگاه را با فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد. چنین وضعیتی ایجاب می‌کرد که تغییراتی در این نهاد به جهت همسویی و مطابقت با اوضاع و اقیامات نظام فرهنگی جامعه و به‌ویژه حرکت در راستای انتظارات بعد از انقلاب اسلامی صورت گیرد تا این نهاد در ترسیم اهداف، خط‌مشی و برنامه‌ریزی‌های مختلف خود به ارزش‌ها و هنجارها و به‌طور کلی فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه توجه کند و از این طریق در خدمت جامعه پس از انقلاب قرار گیرد (شرف‌زاده، ۱۳۸۴).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یکی از حوزه‌های مهمی که انقلابیون به دنبال ایجاد تحول بنیادین در آن بودند، نهاد دانشگاه بود.

به‌طور کلی مراحل تاریخی اسلامی‌سازی دانشگاه بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران عبارت هستند از:

مرحله اول: زمینه‌های طرح تحول در دانشگاه‌ها (از سال ۵۷ - ۵۸)

بعد از شکل‌گیری انقلاب اسلامی با توجه به ضعف‌ها و آسیب‌های دانشگاه و عدم همخوانی این نهاد با انقلاب و مطالبات و انتظارات آن از دانشگاه و خصوصاً تشدید منازعات میان نیروهای اسلامی و طیف‌های مخالف و معارض، در این مرحله زمزمه اولیه طرح تحول در دانشگاه‌ها و پیاده‌سازی ایده اسلامی‌سازی دانشگاه مطرح شد که با خود موجی از واکنش‌های موافقان و مخالفان را به همراه داشته است.

مرحله دوم: تعطیلی دانشگاه‌ها و تشکیل ستاد شورای عالی انقلاب فرهنگی سرانجام با صدور فرمان امام خمینی(ره) به انجام انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های سراسر کشور و افزایش وخامت اوضاع دانشگاه با موافقت ضمنی امام به امر شورای انقلاب، دانشگاه‌ها تعطیل شد و در طی حکمی ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها به شورای عالی انقلاب مبدل شد، رسماً عملیاتی کردن طرح و برنامه‌های ایده اسلامی‌سازی دانشگاه عهده‌دار شد(تاجدوزیان و نوروززاده، ۱۳۹۰). یکی از اقدامات مهم ستاد در این راستا تشکیل گروه‌ها و کمیته‌های تخصصی برنامه‌ریزی درسی برای انطباق این برنامه‌ها با موازین اسلامی بود. در سال ۱۳۶۳ با تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، گام اساسی برای تحول بنیادین در دانشگاه‌ها برداشته شد. در این راستا، شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام به تصویب مصوبات فرهنگی در رابطه با دانشگاه‌ها کرد و با کمک سایر نهادها نه تنها آن را اجرا می‌کرد، بلکه بر حسن اجرای آن‌ها نظارت هم می‌کرد. تأکید شورای عالی انقلاب فرهنگی بر مبانی اسلامی در دانشگاه‌ها در راستای ایجاد وحدت و خلق هویت اسلامی در دانشگاه‌ها است تا از این طریق حرکت از وضع نامطلوب زمان پهلوی به وضع مطلوب را ممکن کند(تاجدوزیان و نوروززاده، ۱۳۹۰). یکی از مصوبات مهم شورا در حوزه آموزش عالی تصویب تشکیل شورای عالی برنامه‌ریزی بود که این شورا عهده‌دار برنامه‌ریزی درسی برای دانشگاه‌ها شد.

مرحله سوم: فروکش کردن تب و تاب طرح و برنامه‌های اسلامی‌سازی دانشگاه به تدریج جریان اسلامی‌سازی با طی مراحل و اقداماتی فروکش کرد و به انجام اقداماتی در سطوحی متوقف شد. از جمله این اقدامات می‌توان به مواردی نظیر وضع قوانین انضباطی خصوصاً توجه به برخی ظواهر دینی و انقلابی، برپایی مراسم‌های دینی و انقلابی، ایجاد نهادهای انقلابی در دانشگاه و برگزاری مسابقات مذهبی و اردوهای زیارتی اشاره کرد.

مرحله چهارم: تأکید مجدد مقام معظم رهبری بر اسلامی‌سازی دانشگاه (۱۳۷۶) جریان اسلامی‌سازی دانشگاه که تدریجاً به سمت امور سطحی، حاشیه‌ای و ظاهری سوق پیدا کرده بود، در نهایت با حمایت و پشتیبانی مقام معظم رهبری وارد مرحله تازه‌ای شد. چرا که ایشان معتقد بودند اقدامات صورت گرفته مکفی نبوده، بلکه لازم است اقدامات جامع و بنیادی دیگری انجام شود تا مقصود از ایده اسلامی‌سازی دانشگاه به بار بنشیند. لذا به صراحت

می‌فرمایند: «برادران عزیز، دانشگاه اسلامی نیست، باید اسلامی بشود و این نمی‌شود مگر با یک تحول عمیق، بنیادی و دلسوزانه، بلندمدت، برنامه‌ریزی شده و همه‌جانبه از سوی شما» (زراعت، ۱۳۷۶).

البته این انتقاد بدان معنا نبود که اقدامات حائز اهمیتی انجام نشده، بلکه مقام معظم رهبری اشاره می‌کند که این سطح از اقدامات صورت گرفته کافی نبوده است، لذا برنامه‌های متنوع و متفاوتی در دانشگاه‌ها به اجرا درآمد که از آن جمله عبارتند از: ۱- اسلامی کردن برنامه‌های درسی و آموزشی؛ ۲- ایجاد عدالت اسلامی در آموزش عالی؛ ۳- اسلامی شدن در مؤلفه‌اساتید؛ ۴- اسلامی شدن در مؤلفه دانشجویان؛ ۵- اسلامی شدن در مؤلفه مدیریت؛ ۶- اسلامی شدن در مؤلفه متون درسی؛ ۷- ایجاد گروه‌های معارف اسلامی و ۸- اسلامی کردن فضای دانشگاه (رحیمی پطودی، ۱۳۹۰).

بنابراین، پس از هشدار مقام معظم رهبری جریان اسلامی‌سازی وارد مرحله تازه‌ای شد. تصویب تشکیل شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها (۱۳۷۶)، تصویب آیین‌نامه شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی (۱۳۷۷)، اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی (۱۳۷۷)، سند دانشگاه اسلامی (۱۳۷۷)، سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی (۱۳۷۷)، سیاست‌های آموزش دینی (۱۳۷۸) و سند دانشگاه اسلامی (۱۳۹۲) که در این اسناد نیز یکی از حوزه‌های مهم مربوط به اسلامی‌سازی، برنامه‌های درسی است. بنابراین، از مهم‌ترین عناصر و اجزاء نظام‌های آموزشی و از بنیادی‌ترین فعالیت‌ها برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تدوین برنامه درسی و محتوای متون درسی براساس مبنای دینی است (سیف‌الهی، زمانی، ۱۳۹۰؛ مروتی، ۱۳۷۶؛ باقرآبادی، ۱۳۷۶؛ زراعت، ۱۳۷۶؛ خان محمدی، ۱۳۸۵؛ نوایی، ۱۳۸۲؛ بانس، ۱۳۸۹؛ عیوضی، ۱۳۸۱؛ خادمی، ۱۳۸۱).

جهت‌گیری‌های برنامه درسی در حوزه اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها را می‌توان در اسناد بالا دستی این حوزه یافت؛ به این منظور، با مراجعه به پایگاه اینترنتی رسمی شورای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها (زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی) و بررسی‌های به عمل آمده در کلیه اسناد بالا دستی مرتبط با اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها «دیدگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه مقام معظم رهبری، بخشنامه‌های شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی، سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی، سند دانشگاه اسلامی» برگزیده

شدند. چرا که در این اسناد، موارد مرتبط با اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی دانشگاهی به‌طور شفاف و واضح بیان شده بود. پس از استخراج کدهای اولیه از منابع مذکور با استفاده از تحلیل محتوای کیفی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در این دوره شناسایی شد.

جدول ۵: جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه درسی در دوره اسلامی‌سازی (۱۳۷۹ به بعد)

مضمون فراگیر	دوره برنامه درسی	ابعاد برنامه درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه درسی
جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره اسلامی‌سازی در نظام آموزش عالی ایران	دوره اسلامی‌سازی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و با حضور متخصصان حوزه دانشی رشته‌های تحصیلی و در دانشگاه‌های واجد شرایط انجام می‌شد.	جهت‌گیری‌های برنامه‌ریزی درسی ایدئولوژیک (اسلامی) در فرایند برنامه‌ریزی درسی گرایش به روش‌های نوین علمی در بازنگری، اصلاح و تدوین متون درسی جهت‌دهی برنامه درسی به سوی فضایل اخلاقی گرایش به معرفی مفاخر تاریخی و معاصر در برنامه‌های درسی
		نظام	نظام برنامه درسی از سال ۱۳۷۹ - ۱۳۸۴ بصورت غیرمتمرکز و در دانشگاه‌های واجد شرایط و از سال ۱۳۸۴ - ۱۳۹۲ بصورت متمرکز و در شورایی عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و از سال ۱۳۹۲ به بعد به صورت نیمه متمرکز پایه‌ریزی شد.	تدوین متون درسی جهت‌دهی برنامه درسی به سوی فضایل اخلاقی گرایش به معرفی مفاخر تاریخی و معاصر در برنامه‌های درسی
		رشته تحصیلی	برنامه درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره و با گسترش مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی ادامه یافت.	جهت‌دهی برنامه‌های درسی بسوی نیازهای جامعه جهت‌دهی برنامه‌های درسی به سوی مسأله محوری گرایش به سوی فرهنگ کسارآفرینی در برنامه‌های درسی
		حرفه	برنامه درسی به مثابه حرفه در این دوره و با عنوان آموزش‌گر (هیأت علمی) مطرح شد.	گرایش به سوی فرهنگ کسارآفرینی در برنامه‌های درسی
		دانش	ادامه انتقال دانش برنامه درسی با ترجمه و تألیف کتب و مقالات در حوزه برنامه درسی	جهت‌دهی برنامه‌های درسی گروه هنر به سوی هنر اسلامی، ایرانی توجه به ایجاد نظام ارزیابی و نظارت برنامه‌های درسی

جهت‌گیری‌های برنامه درسی در دوره تحول علوم انسانی (از سال ۱۳۸۸ به بعد): در

انقلاب فرهنگی، بیشترین کار در زمینه علوم انسانی انجام شد. مدافعان انقلاب فرهنگی معتقد بودند که رشته‌های علوم انسانی از فرهنگ غربی تأثیر پذیرفته‌اند و برای پاکسازی و اسلامی‌سازی آن، موضوع‌های درسی، ابزارها و روش‌های تحقیق این رشته باید اصلاح شوند. به همین منظور «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» با نام اختصاری «سمت» در اسفند سال ۱۳۶۳ تأسیس شد. هدف این سازمان، دگرگونی بنیادی در درس‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها بود تا کتاب‌های دانشگاهی بر پایه دیدگاه اسلامی نوشته شود. در سال ۱۳۷۶، شورای عالی انقلاب فرهنگی «ستاد اسلامی شدن دانشگاه‌ها» را تشکیل داده بود که اصول عمومی و اختصاصی دانشگاه اسلامی را تعریف می‌کرد و سیاست‌های راهبردی و اجرایی در زمینه استاد، دانشجو، نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، متون و برنامه‌ریزی درسی، نظام برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی و مدیریت آن را برای پیشبرد فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها معین می‌کرد (ارکان‌زاده یزدی، ۱۳۹۱).

پس از به فرجام نرسیدن پروژه انقلاب فرهنگی در عرصه تولید علوم انسانی اسلامی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، به این مقوله تعیین‌کننده و زیربنایی، بنا به دلایل مختلف، کم‌تر توجه شد. از این رو، به تدریج حساسیت‌های ایدئولوژیک نسبت به «علوم انسانی سکولار» کاهش یافت و با گسترش کمی آموزش عالی در ایران، مضامین و درون‌مایه‌های این علوم نیز در ذهنیت بسیاری از دانشجویان و اساتید و روشنفکران و مدیران رسوب کرد و به فرجه شدن طبقه متجدد و دگراندیش در جامعه ایران منجر شد (رمضانی، ۱۳۹۳).

این روند ادامه داشت تا اینکه در سال‌های اخیر، مقام معظم رهبری دوباره بر ضرورت تولید «علوم انسانی اسلامی» انگشت تأکید نهادند و نسبت به مخاطرات و تهدیدهای فکری و فرهنگی ناشی از پایه‌ها و نظریه‌های موجود در «علوم انسانی سکولاریستی» برخاسته از غرب متجدد، هشدار آشکار و عمومی دادند (رمضانی، ۱۳۹۳). مقام معظم رهبری در این خصوص چنین هشدار داده‌اند: «ما علوم انسانی مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم تو دانشگاه‌های خودمان و در

بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

بر اساس این تحولات شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۵۰ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۱، بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۸/۷/۷ کمیسیون تحول علوم انسانی دبیرخانه شورای عالی «آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی» را مطرح کرد.

آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی: با هدف ایجاد تحول پایدار در علوم انسانی و به‌منظور طراحی، سازماندهی، برنامه‌ریزی، مدیریت و هدایت تحول علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی، به استناد ماده ۱۸ آیین‌نامه داخلی شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس می‌شود (شورای عالی انقلاب فرهنگی - شورای تحول علوم انسانی، استاد بالا دستی ۱۳۸۸)

اهداف شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی

- ۱- ابتنای علوم انسانی بر مبانی نظری جمهوری اسلامی و انسان‌شناسی اسلامی.
- ۲- اصلاح و ارتقاء آموزش و پژوهش در علوم انسانی در جهت انطباق با سیاست‌ها و راهبردها و کارآمدسازی آن در شئون کشور.
- ۳- هماهنگ و هم‌افزا شدن نهادهای مسئول و فعال در حوزه علوم انسانی.

وظائف و اختیارات شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی

- ۱- تدوین و تصویب اولویت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب آموزشی و پژوهشی در ۲ سطح؛ آموزش عالی و آموزش و پرورش.
- ۲- نظارت راهبردی و مؤثر بر فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نهادهای فعال در حوزه علوم انسانی و اتخاذ تدابیر لازم برای ارزیابی، آسیب‌شناسی و اصلاح ساختارها، محتوا، فرآیندها، ضوابط و آئین‌نامه‌های مربوطه.
- ۳- اتخاذ تدابیر لازم برای تقویت آموزش و پژوهش در سطح نهادهای علمی و تربیتی نیروی انسانی مستعد به‌ویژه استاد.

۴- تدوین ضوابط لازم برای منطقی و متوازن ساختن کمیّت پذیرش دانشجو، به‌ویژه در رشته‌های مهم علوم انسانی براساس استانداردهای مصوب شامل میزان کارآمدی، ظرفیت‌های اشتغال مفید در کشور و تناسب با مبانی نظری اسلامی و فرهنگ اسلامی-ایرانی.

۵- برنامه‌ریزی برای تقویت تولید علم و نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی.

۶- طراحی و ایجاد یک نظام منسجم برای انتشار و ترویج آثار مناسب در حوزه علوم انسانی با هدف ارائه به مخاطبان و استفاده‌کنندگان این آثار.

۷- ارائه راهکارهای مناسب برای حمایت مؤثر از پروژه‌های اساسی و تحقیقات و تولیدات زیربنائی و نیز اندیشمندان و نهادهای فعال در جهت ارتقاء علوم انسانی.

۸- فراهم کردن ساز و کارهای لازم برای فعالیت‌های علمی مشترک میان دانشگاه و حوزه در علوم انسانی از قبیل قطب‌ها و...

۹- نهادینه‌سازی کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در علوم انسانی و معارف اسلامی در دانشگاه و حوزه، با مشارکت هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره و آزاداندیشی در جهت مواجهه انتقادی با علوم انسانی ترجمه‌ای.

۱۰- برنامه‌ریزی برای تولید منابع علوم انسانی و معرفی آن در صحنه‌های بین‌المللی.

ترکیب اعضای شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی

در ترکیب شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی ۲۱ نفر از دانشگاهیان، مدیران ستادی وزارت علوم و وزارت بهداشت و حوزویان عضویت دارند، که همان‌گونه که از ترکیب اعضای تشکیل‌دهنده شورای تحول علوم انسانی که وظایف اصلی آن اسلامی کردن علوم انسانی، بومی کردن علوم انسانی، کارآمدی علوم انسانی و روزآمد کردن علوم انسانی است، که میدان عمل را در چهار بخش برنامه‌های درسی، استادان، دانشجویان و پایان‌نامه‌ها و مجلات پژوهشی تقسیم کرده‌اند، و برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی تشکیلاتی مشابه و موازی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم تشکیل دادند، هیچ‌یک از متخصصان حوزه برنامه درسی عضویت ندارد. این در حالی است که رئیس شورای تحول در علوم انسانی، تکیه و

تأکید این شورا در سال‌های اخیر را در زمینه برنامه‌ها و متون درسی دانسته و تحول در هر رشته را در تحول در برنامه آموزشی و درسی آن رشته دانسته است.

تأکید قانون برنامه پنج‌ساله پنجم و ششم توسعه کشور در حوزه تحول و ارتقاء برنامه‌های درسی علوم انسانی

در ماده ۱۵ بند الف قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۱) «بر بازنگری متون، محتوا و برنامه‌های آموزشی و درسی دانشگاهی مبتنی بر آموزه‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی - ایرانی و انقلابی و تقویت دوره‌های تحصیلات تکمیلی با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای دانش بشری، با اولویت نیاز بازار کار تأکید شده است.

در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰) ماده ۶۴ بند ب تبصره ۲- آمده است که دولت نسبت به تحول و ارتقاء علوم انسانی در دانشگاه‌ها در ابعاد اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، کارآمدی و روزآمدی با ایجاد تغییرات یا اصلاحات در امور مربوط به سرفصل‌ها و کتاب‌های درسی و تربیت استاد و انتخاب دانشجو اهتمام ورزیده و آنرا در اولویت قرار دهد (قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی).

برای شناسایی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در این دوره، اسناد بالا دستی در حوزه تحول و ارتقاء علوم انسانی بررسی شد؛ با مراجعه به پایگاه اینترنتی رسمی شورای تحول و ارتقاء علوم انسانی (زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی) و بررسی‌های به عمل آمده در کلیه اسناد بالا دستی مرتبط با تحول و ارتقاء علوم انسانی «دیدگاه امام خمینی (ره)، دیدگاه مقام معظم رهبری، برنامه پنجم توسعه، نقشه جامع علمی کشور» برگزیده شدند. چرا که در این اسناد، موارد مرتبط با تحول و ارتقاء برنامه‌های درسی علوم انسانی به‌طور شفاف و واضح بیان شده بود. پس از استخراج کدهای اولیه از منابع مذکور با استفاده از تحلیل محتوای کیفی جهت‌گیری‌های برنامه درسی در این دوره شناسایی شد.

جدول ۶: جهت‌گیری‌ها و ویژگی‌های برنامه‌های درسی در دوره تحول علوم انسانی در نظام آموزش عالی ایران

مضمون فراگیر	دوره برنامه‌های درسی	ابعاد برنامه‌های درسی	ویژگی‌های برنامه‌های درسی	جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی
جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی در دوره تحول علوم انسانی در نظام آموزش عالی ایران.	دوره تحول علوم انسانی	فرایند	فرایند برنامه‌ریزی درسی درگروه‌ها و کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و با حضور متخصصان حوزه دانشی رشته‌های تحصیلی، در دانشگاه‌های واجد شرایط و در گروه‌های تخصصی دانشگاه و در شورای تحول علوم انسانی و در کارگروه‌های تخصصی این شورا انجام می‌شد.	۱- جهت‌گیری به‌سوی اسلامی‌سازی برنامه‌های درسی علوم انسانی ۲- جهت‌گیری برنامه‌های درسی علوم انسانی به‌سوی نیاز بازار کار ۳- جهت‌گیری برنامه‌های درسی به‌سوی بومی‌سازی علوم انسانی
	نظام	نظام برنامه‌های درسی به‌صورت نیمه متمرکز و ترکیبی از شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، دانشگاه‌های واجد شرایط و شورای تحول علوم انسانی پایه ریزی شد.	۴- جهت‌دهی تولید علم با توجه به آمایش سرزمین ۵- جهت‌گیری کیفی در تولید برنامه‌های درسی علوم انسانی	
	رشته تحصیلی	برنامه‌های درسی به مثابه رشته تحصیلی در این دوره و با گسترش گرایش‌های تخصصی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی دنبال شد.	۶- تعامل حوزه و دانشگاه در فرایند تولید برنامه‌های درسی علوم انسانی ۷- جهت‌گیری میان رشته‌ای در برنامه‌های درسی علوم انسانی	
	حرفه	برنامه‌های درسی به مثابه حرفه در این دوره و با عنوان آموزش‌گر(هیأت علمی) و با عنوان مشاور در مراکز آموزش ادارات، سازمان‌ها و... مطرح شد.	۸- جهت‌دهی به برنامه‌های درسی با توجه به ارزش‌های انقلاب اسلامی	
	دانش	در این دوره برخی از متخصصان حوزه برنامه‌های درسی اقدام به تولید نظریه‌های بومی در این حوزه کردند.	۹- جهت‌دهی برنامه‌های درسی به‌سوی دوره‌های مهارتی و کارآموزی	

بحث و نتیجه‌گیری

اجماع مقولات حاصل این نتیجه را می‌رساند که برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی تاکنون جهت‌گیری‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است. وجه مشترک جهت‌گیری‌های برنامه‌های درسی

که در تمام دوره‌ها مطرح بود، جهت‌گیری ایدئولوژیک است. جهت‌گیری ایدئولوژیک در قبل از انقلاب اسلامی به سمت ترویج ملی‌گرایی و سکولاریزم گرایش داشته است، و در بعد از انقلاب ترویج مبانی اسلام از طریق برنامه‌های درسی مد نظر بوده است. جهت‌گیری برنامه‌های درسی به سوی رفع نیازهای جامعه نیز در دوره‌های تحول برنامه درسی دانشگاهی مطرح بوده است. در دوره قبل از انقلاب تربیت نیروی متخصص برای تأمین نیاز نظام بروکراتیک و در دوره بعد از انقلاب، پرورش نیروی متعهد و متخصص برای تأمین نیازهای جامعه اسلامی مد نظر بوده است. از دهه دوم انقلاب، گرایش به سمت کیفی‌سازی برنامه‌های درسی و همچنین تحول در برنامه‌های علوم انسانی برجسته است. این بخش از نتایج با بخشی از نتایج تحقیق وزیری (۱۳۷۸)؛ سلیمی و همکاران (۱۳۸۳)؛ موسی‌پور (۱۳۸۷)؛ فتحی و اجارگاه و نوروززاده (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

در ابعاد پنجگانه برنامه درسی در بحث فرایند برنامه درسی (تدوین، اجرا، ارزشیابی) در دوره عمل‌گرایی برنامه‌ریزی درسی با مشارکت اعضای هیأت علمی و از طریق گروه‌های آموزشی انجام می‌شد. در دوره فرهنگی - مذهبی و تمرکزگرایی فرایند برنامه‌ریزی درسی در گروه‌ها و کمیته‌های ستاد انقلاب فرهنگی و پس از آن در شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم و با حضور تعداد محدودی از اعضای هیأت علمی حوزه دانشی و بدون مشارکت حداکثری دانشگاهیان انجام می‌شد، پس از آن با ابلاغ مصوبه واگذاری اختیارات برنامه درسی به دانشگاه‌های واجد شرایط، زمینه لازم برای تمرکززدایی از برنامه درسی فراهم شد. این بخش از نتایج با بخشی از نتایج تحقیق وزیری (۱۳۷۸)؛ مهر محمدی (۱۳۸۷)؛ کرمی، وقاری زمهریر (۱۳۹۵) همخوانی دارد. برای مثال کرمی، وقاری زمهریر (۱۳۹۵) در پژوهش خود اشاره می‌کند، تمرکززدایی و گسترش برنامه درسی دانشگاه محور اقتضا می‌کند تصمیم‌های مربوط به برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، ارزشیابی، تغییر و بازنگری برنامه درسی به جای اینکه بیرون از مؤسسه آموزشی اخذ و به آن تحمیل شود، در خود مؤسسه آموزشی اتخاذ شود. مهر محمدی (۱۳۸۷) در پژوهش خود اشاره می‌کند، سیاست کاهش تمرکز از فرایند برنامه درسی و تفویض اختیار به دانشگاه‌ها به معنای به رسمیت شناختن هویت تخصصی و حرفه‌ای دانشگاهیان و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه آنها است.

در بحث برنامه درسی به عنوان نظام، تجربه‌ایی که از دوره‌های برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی

قبل و بعد از انقلاب اسلامی حاصل می‌شود، گذر از یک نظام برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مستقل (دوره عمل‌گرایی) به نظام متمرکز افراطی (بعد از انقلاب و در دوران فرهنگی-مذهبی و تمرکزگرایی) و سرانجام به سمت واگذاری اختیارات نسبی برای برنامه‌ریزی دانشگاهی (از برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به سمت واگذاری اختیارات کامل برای برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌های دارای هیأت ممیزه است. این بخش از نتایج با بخشی از نتایج تحقیق وزیری (۱۳۷۸) همخوانی دارد، مبنی بر اینکه نظام برنامه درسی آموزش عالی قبل از تفویض اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها به سمت تمرکزگرایی مفرط سیر کرده است.

در بحث برنامه درسی به عنوان رشته تحصیلی، برقراری دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری برنامه‌ریزی درسی از سال ۱۳۶۶ مشهود بود که طی این مدت گسترش کمی تعداد پذیرش دانشجو بدون در نظر گرفتن ظرفیت بازار کار از یکسو و تخصصی شدن گرایش‌های مختلف برای این رشته از سوی دیگر رخ داده است.

در بحث برنامه درسی به عنوان حرفه، متخصصان این رشته در نقش‌های مدرس، مشاور و پژوهشگر حضور یافتند و در نقش‌های تخصصی‌تر (حضور در گروه‌های برنامه‌ریزی درسی و.....) از متخصصان این حوزه نقش کم‌رنگ‌تری را مشاهده شد.

در بحث برنامه درسی به عنوان دانش، تولید محتوا به صورت کتاب، مقاله، پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی مشاهده شد، ولی در حوزه‌های تخصصی‌تر (نظریه‌پردازی) در مراحل ابتدایی کار هست و به تلاش و کار بیشتر در این حوزه نیاز دارد.

با توجه به پژوهش انجام شده پیشنهاد‌های زیر به صورت خلاصه برای دست‌اندرکاران، محققان و دانشجویان حوزه برنامه درسی توصیه می‌شود:

- با عنایت به محجوریت مباحث تاریخی در حوزه برنامه درسی آموزش عالی در ایران، پژوهشگران به اجرای پژوهش در شاخه‌های مختلف حوزه تاریخ برنامه درسی توجه کنند.
- سیر تحول منابع علمی مکتوب حوزه برنامه درسی در دوره‌های تحول برنامه درسی شناسایی و تحلیل شود.
- رخدادهای اثرگذار بر حوزه برنامه درسی آموزش عالی (براساس نظم تاریخی) شناسایی و تحلیل شود.

منابع

- (۱۳۵۹). *اطلاعات (روزنامه)*. دوم اردیبهشت، صفحه ۳.
- ارکان‌زاده یزدی، سعید (۱۳۹۱). موج دوم تلاش برای دستیابی به علوم انسانی اسلامی، پرونده ماه، شماره ۵۵
- باقرآبادی، فرامرز (۱۳۷۶). راه کارهای عملی اسلامی کردن دانشگاه‌ها، *فصل‌نامه دانشگاه اسلامی*، سال اول، شماره ۲
- بانسی، زینب (۱۳۸۹). راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی قم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه قم
- بذرافکن، مجید (۱۳۸۹). سوم تیر و انقلاب فرهنگی دوم، *مجله برداشت اول*، شماره ۱۲
- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۸). ستاد انقلاب فرهنگی: چراغی که فروغ اندک داشت، *لوح*، ۱۳۷۸، شماره ۴
- حاضری، محمد (۱۳۹۰). *انقلاب فرهنگی*، میزگرد با حضور حاضری، جمشیدی‌ها، احمدی، *مجله حضور*، شماره ۷۶
- خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۵). فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی، *فصل‌نامه دانشگاه اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۱ و ۳۲
- خلیلیخو، محمدرضا (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی در دوره رضا شاه*، تهران: جهاد دانشگاهی، دانشگاه شهید بهشتی.
- دیبا واجاری، طلعت، یمنی دوطس سرخابی، محمد، عارفی، محبوبه و فردانش، هاشم (۱۳۹۰). مفهوم پردازی الگوهای برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات و دستاوردها)، *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۸(۲): ۳۰.
- روشن نهاد، مژگان (۱۳۸۲). *انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران*، *فصل‌نامه دانشگاه اسلامی*، ۷(۱۷):
- زراعت، عباس (۱۳۷۶). راه کارهای اسلامی کردن دانشگاه‌ها، *فصل‌نامه دانشگاه اسلامی*، سال اول، شماره ۱
- شمس‌آوری، پری (۱۳۵۶). پنجاه سال سلطنت دودمان پهلوی، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی (دانشگاه تهران)*، شماره شانزده، بهار و تابستان

- شورای عالی برنامه ریزی (۱۳۷۹). آیین نامه تفویض اختیاری برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها، مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۰، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- فضل‌الهی، سیف‌اله و زمانی ده یعقوبی، سید رضا (۱۳۹۰). راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها با رویکردی به دیدگاه استادان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، فصل‌نامه معرفت در دانشگاه اسلامی، ۱۵(۱): ۱۱۹-۱۴۲.
- فتحی واجارگاه، کوروش و نوروززاده، رضا (۱۳۸۷). درآمدهای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، چاپ اول.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۳). سخنرانی در دومین کنفرانس بین‌المللی انجمن مطالعات برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸). سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران: بررسی تاریخی آموزش عالی و تحولات اقتصادی، اجتماعی - سیاسی و فرهنگی مؤثر بر آن. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- (۱۳۵۹) کیهان (روزنامه). هفدهم فروردین ماه، ص ۲.
- گال، مردیت، بورگ، والتر، گال، جوئیس (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی، تهران: سمت، جلد ۹.
- گلکار، سعید (۱۳۸۶). بررسی رابطه نظام پهلوی و دانشگاه در ایران، فصل‌نامه دانشگاه اسلامی، ۱۱(۹):
- مروتی، سهراب (۱۳۷۶). از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی، فصل‌نامه دانشگاه اسلامی، ۱(۳).
- محمدنژاد عالی زمین و همکاران (۱۳۸۲). گزارش ملی آموزش عالی ایران، تهران: مؤسسه پژوهش برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- مهرعلی زاده، یداله (۱۳۸۳). آیا اصلاحات آموزش عالی ایران در جهت تحولات جهانی شدن است؟ مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار. جلد دوم.
- مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷). تحلیلی بر سیاست کاهش تمرکز از برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی ایران: ضرورت‌ها و فرصت‌ها، فصل‌نامه آموزش عالی ایران، ۱(۳): ۱-۱۸.
- نوابی، علی اکبر (۱۳۸۲). پروژه اسلامی شدن دانشگاه‌ها و راه کارهای آن، فصل‌نامه دانشگاه اسلامی، ۱(۱۸-۱۹):

نوروززاده، رضا، فتحی واجارگاه، کورش و نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۸۵). وضعیت مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی، ۴۲.

- Barnett, R and Coate, K. (2005). *Engaging The Curriculum In Higher Education* McGraw Hill International.
- Hicks, O. (2007). Curriculum In Higher Education In Australia Hello? In *Enhancing Higher Education Theory And Scholar Ship*, Proceeding of The Goth Herdsa Annual Confrance [Cd-Rom]
- Johnson, B. and Christensen, L. (2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. SAGE Publication, 625 p
- Teichler, U. (2015). Higher Education Research, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, 10. 862-869.
- Stark, J. S. and Lattuca, L. R. (1997). *Shaping the college curriculum: Academic plans in action*. Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- Ardakanzade Yazdi, S. (2012). The Second Wave of Attempting to Achieve Islamic Human Sciences. *parvande mahe*, No, 55.
- Banshi, Zainab. (2010). *The Islamicization of Universities from the Viewpoint of the Teachers of Islamic Education Courses in Qom*, Master Thesis for Management and Educational Planning. Qom University.
- Baqer Abadi, F. (1997). The Scientific Methods of Islamicization of Universities. *Journal of Islamic University*, 1, No, 2.
- Barnett, R. and Coate, K. (2005). *Engaging The Curriculum In Higher Education*. McGraw Hill International.
- Bazrafkan, M. (2010). The Third of tir the Second Cultural Revolution. *Journal of the First Consensus*, No, 12.
- Diba Vajjari, T. Yemenidozi Sorkhabi, M. Arefi, M. and Fardanesh, H. (2011). Conceptualization of the Patterns of Higher Education Curriculum Design (Experiences and Achievements). *Quarterly Journal of Research on Curriculum Development*, Eighth, 2(30):.
- (1980). *ettelaat* (newspaper). May 2, Page 3.
- Fathi Vajargah, K. and Norouzadeh, R. (2008). *Introduction to Academic Curriculum*, Publisher: Institute for Research and Planning for Higher Education. First Edition, 2008.
- Fathi Vajargah, k. (2014). *Speech at the 2nd International Conference on Curriculum Studies*. Islamic Azad University, Khorasgan Branch.
- Fazlolahi, S. Zamani, Y. (2011). The ways of Islamicization of universities and their prioritization with the approach of the faculty members of Islamic Azad University of Qom. *The Journal of Knowledge at Islamic University*, 15th year, No, 1.
- Frostkhah, M. (2009). *History and Accidents of the University in Iran: A Historical Study of Higher Education and its Economic, Socio-Political and Cultural Consequences*. Tehran: Rasa Cultural Service Institute.

- Gall, M., Borg, W. and Gall, J. (2016). *Qualitative and Quantitative Research Methods in Educational Sciences and Psychology*. Tehran, Samte Publishing, Volume 9.
- Golkar, S. (2007). The Relationship between Pahlavi System and University in Iran. *Islamic University*, 11(3).
- hazeri, M. (2011). Cultural Revolution, Meeting attended , Jamshidi, Ahmadi, *Journal hozor*, No, 76.
- Hicks,O.(2007). Curriculum In Higher Education In Australia Hello? In Enhancing Higher Education Theory And Scholar Ship , Proceedingof The Goth Herdsa Annual Confrance[Cd-Rom].
- High Council for Planning. (2000). Optional Letter of Planning Curriculum to Universities approved by Ministry of Science, Research and Technology of 2000.
- Johnson ,B. Christensen, L.(2012). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*. SAGE Publication, 625 p.
- (1980).Kayhan. (newspaper). April 17, p,2.
- Khalilikhoo ,M. (1991). *Development and Renovation in the Reza Shah Period*.Tehran, Shahid Beheshti University, Jahad Publication, First Edition.
- Khan Mohammadi, K. (2006). The Process of Islamicization of Universities in Iran with the Cultural Policy Approach, *Islamic Azad University*, 10(31 & 32):
- Marouwati, S. (1997).from University to Islamic University. *Journal Islamic University*, 1(3).
- Mehralizadeh, Y. (2004). Are Iranian Higher Education Reforms Globalizing? Proceedings of the Conference on Higher Education and Sustainable Development. Volume II.
- Mehrmohammadi, M. (2008).An Analysis of the Policy of Decreasing the Concentration of Iranian Higher Education Curriculum Planning: Needs and Opportunities. *Higher Education in Iran - 1*(3).
- Mohammad Nezhad alizamin and colleagues. (2003). National Report on Higher Education in Iran, Tehran: Institute for Research Planning for Higher Education.
- Nawai, A.(2003). The project of Islamicization of universities and its solutions. *Journal of Islamic University*, 1(18 & 19).
- Noorozzadeh, R. Fathi Vajargah, k. naveh abrahim,A. (2006). Status of universities participation in revision of curricula approved by the High Council for Planning.*Quarterly Journal of Planning and Curriculum Review*, No. 42.
- Roshan Nahad, M. (2003). Cultural Revolution in the Islamic Republic of Iran, *Islamic University*. seventh year, issue 17.
- Shamsarevi, P.(1977).Fifty years of the reign of Pahlavi Dynasty. *Journal of Psychology and Educational Sciences* (University of Tehran), Number Sixteen, Spring and Summer.
- Stark, J. S. & Lattuca, L. R. (1997). *Shaping the college curriculum: Academic plans in action*. Needham Heights, MA: Allyn and Bacon.
- Tavassoli, G. A. (1999). Headquarters of the Cultural Revolution: A Light That Was Blazing. *lohe*, 1999, No. 4

- Teichler, U. (2015). *Higher Education Research*, *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2nd edition, 10. 862-869.
- Zerate, A. (1997). Islamicization Strategies of Universities. *Journal of Islamic University*, 1(1).

The Evolution of Curriculum in Iran's Higher Education System

Sayad Mahdi Kiaee Jamali¹

Expert, Assessment Organization, Tehran, Iran

Nematollah Moosapoor

Associate professor, Farhangian University, Tehran, Iran

Kourosh Fathi Vajargah

Faculty member, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abasalt Khorasani

Associate professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

This study was aimed at explaining the evolution of curriculum in Iran's higher education system. This qualitative research was of historical type and tried to use available sources and documents and the result of interviews with experts in the field of curriculum and higher education. The study explains the course of the development of curriculum in five dimensions including the process, system, academic field, profession and knowledge in the periods of pragmatism, religious-cultural, centralization, decentralization, Islamization, and evolution in the humanities with an analytical view. The data were collected using all texts, research and documents related to the curriculum and interviews with experts of the field of education and curriculum. The instruments used for collecting the data were research files made by the researcher. The results showed that the curriculum has had different orientations. The experience gained from the evolution of academic curriculum before and after the Islamic Revolution shows the transition from a relatively independent curriculum during the pre-revolutionary period (pragmatism) to a centralized extremist system after the revolution (the cultural-religious and centralization period), toward the relative independence of the curriculum in the period of decentralization.

Keywords:

Curriculum, Higher Education Curriculum, Curriculum Orientation, Historical periods

1. smkia1382@yahoo.com

received: 2018-04-24 accepted: 2018-09-08

DOI:10.22051/jontoe.2018.20054.2191